

الگوئی که به آقای ماکرون الهام می بخشد

جهنم معجزه آلمان

اولیویه سیران برگردان بابک دهقان

تعداد متقاضیان کار در جمعیت آلمان، که برای انتخابات ۲۴ سپتامبر به پای صندوقهای رای

فراخوانده شده اند، هرگز چنین اندک نبوده است. اما بی ثباتی شغلی نیز تا این حد گسترده

نبوده است. برچیدن تامین اجتماعی در میانه سالهای دوهزار، بیکاران را به کارگران فقیرمبدل

کرده است. این اصلاحات، الهام بخش باز نویسی قانون کاری هستند که دولت فرانسه

میخواهد از طریق فرمان های بدون مشاورت مجلس به مردم تحمیل کند.

هشت صبح : به محض باز شدن درهای اداره کارایی محله پانکو در برلن، حدود پانزده نفر،

ساکت ودلواپس، در مقابل گیشه پذیرش صف می بندند.

مرد حدودا پنجاه ساله ای با صدای آهسته ای پیچ می‌کند « برای چه من اینجا هستم؟ برای

اینکه اگر به احضار نامه شان جواب ندهی، پول کمی که به تو میدهند را قطع خواهند کرد. به

هر حال چیزی برای پیشنهاد کردن ندارند. مگر اینکه از تو بخواهند، بعید نیست، که فروشنده زیر

شلواری میخدار بشوی». با این اشاره، لبخند ضعیفی بر چهره اش ظاهر میشود. یک ماه پیش، اداره

کاریایی محله پانکو، به یک مادر ۳۶ ساله، که کارش را بعنوان مربی از دست داده و فرزندش را

به تنهایی بزرگ می‌کند، نامه ای ارسال کرد و از او خواست که برای شغل فروشنده در یک

سکس شاپ تقاضا بفرستد وگرنه جریمه خواهد شد. فرد مورد نظر در اینترنت واکنش نشان داد

و نوشت « من با این اداره کاریایی تمام در دسر ها را تجربه کردم اما این دفعه آتش زیادی شورشده

/ است» و اعلام کرد که در نظر دارد از این سوء استفاده از قدرت شکایت کند.

خارج از اداره، در پارکینگ ساختمان های مساکن اجتماعی، «هسته پشتیبانی سیار» مرکز بیکاران برلن، فعالیتش را آغاز کرده است. خانم نورا فرایتاک سی ساله، بر روی میز تا شوئی در مقابل مینی بوس گروهشان، چندین جزوه با عنوان « چگونه از حقوقمان در برابر اداره کاریابی دفاع کنیم» قرار داده است. « در سال ۲۰۰۷، کلیسای پروتستان دست به این ابتکار عمل زد. در برابرین هیولای اداره بازی، که بسیاری از بیکاران بدلیل موجهی آنرا همچون تهدیدی بشمار میآورند، سردرگمی و ناتوانی فراوانی به چشم میخورد.»

زن بیش از شصت ساله ای با گامی مردد نزدیک میشود. اواز مطرح کردن مسائلش در حضور کسانی که نمی شناسد بشدت خجلت زده بنظر میرسد. با توجه به اینکه حقوق بازنشستگی کمتر از ۵۰۰ یوروی او برای زندگی کردن کافی نیست، اداره کاریابی به او مبلغی تکمیلی پرداخت می کند. از آنجائی که تامین هزینه ها بازم میسر نیست، او اندک زمان نیست که شغل کوچک نیم

وقت بی ثباتی (« minijob ») بعنوان خدمتکار در یک مرکز درمانی بدست آورده است که ماهی

۳۴۰ یورو خالص به درآمدش میافزاید. با صدای ضعیف وحشت زده ای میگوید « میدانید، اداره

کاریابی از من خواسته است که ۲۵۰ یورو به آنها بازپرداخت کنم، چرا که به قول آنها، من همه

درآمدم را اعلام نکرده ام. اما من چنین پولی را ندارم. اضافه براین، تردید نداشته باشید، من

از همان روزاول تمامی درآمدم را به آنان اعلام کردم. حتما اشتباهی رخ داده است...». یکی از

اعضای گروه او را به کناری میکشد تا اطلاعات لازم را در اختیارش بگذارد: با چه کسی باید

تماس گرفت و اگر این کار نتیجه نداد به کجا باید شکایت کرد و غیره. گاهی اوقات مینی بوس

گروه نقش پناهگاهی برای بررسی مشکل یک متقاضی بدور از نگاه دیگران را بازی میکند. خانم

فرایتاک خاطرنشان میکند که « این یکی از نتایج Hartz IV است. انگشت نما کردن بیکاران

آنچنان جاافتاده است که بسیاری از آنان حتی از مطرح کردن مشکلاتشان در مقابل دیگران شرم

دارند.»

یکی از مقید سازترین چهارچوب های اروپائی

Hartz IV : این علامت گذاری اجتماعی، حاصل روند مقررات زدائی بازار کار، بعبارت دیگر

تقویم ۲۰۱۰، است که توسط دولت صدراعظم گرهارد شرودر، ناشی ازائتلاف حزب سوسیال

دموکرات و سبزها، بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به اجرا گذاشته شد. بند چهارم این اصلاحات که

به نام طراح آنها پیترهارتز (Peter Hartz)، مدیر کارگزینی پیشین شرکت فولکس واگن، شناخته

میشوند، کمک های اجتماعی و مزایای بیکاران بلند مدت (بیش از یک سال بدون کار) را

درمقرری واحدی، که توسط اداره کاریابی پرداخت میشود، ادغام کرده است. فرض براینست که

مبلغ ناچیزاین کمک، ماهی ۴۰۹ یورو برای یک فرد تنها در ۲۰۱۷ (۱)، بیکاران، که به آنها لقب

مشتري داده شده است، را تشویق خواهد کرد که هر چه زودترکاری جستجوکنند، حتی

اگردستمزدش اندک باشد ویا کارپیشنهادی ربطی به خواسته ها ویا مهارت های فرد مورد

نظر نداشته باشد. اعطای این کمک مشروط به پذیرفتن یکی از سخت ترین سیستم های کنترل اروپاست.

در پایان سال ۲۰۱۶، نزدیک به شش میلیون نفر در دام Hartz IV گرفتار بودند : ۲٫۶ میلیون بیکار رسمی، ۱٫۷ میلیون بطور غیررسمی که با ترفند «برنامه های فعال سازی» (آموزش، «هدایت گری»، کار با دستمزد ۱ یورو، کار کوچک و غیره) از آمار حذف شده بودند و ۱٫۶ میلیون فرزندان دریافت کنندگان این کمک ها.

این افراد، در جامعه ای که ساختار آن برستایش کاراستواراست، همچون کسانی که باید از آنان دوری جست، جماعت راحت طلبان و یا حتی بدتر از آن به تصویر کشیده میشوند. در سال ۲۰۰۵، در جزوه وزارت اقتصاد با عنوان «ارجحیت به افراد صادق. بر علیه سوء استفاده، تقلب و خود پرستی در دولت اجتماعی»، در پیش گفتاری به قلم ولفگانگ کلمان، وزیر اقتصاد (از حزب سوسیال

دموکرات) این جمله به چشم میخورد: «زیست شناسان در استفاده از واژه «انگل»، برای تعریف موجودی که برای رفع احتیاجات خویش ازدیگر موجودات زنده سوء استفاده میکند، هم عقیده اند. بی شک، بکار بردن چنین مقولاتی در جامعه انسانی کاملاً نارواست». وبی هیچ جای تعجیبی، اصطلاح «انگل Hartz IV» توسط رسانه های متعفن، ودر راس آنان بیلت (*Bild*)، به فراوانی بکار گرفته شد.

زندگی بهره مندان از این کمک ها جدالی دائمیست. درآمد حداقل حیاتی آنها امکان پرداخت کرایه خانه را نمی دهد. ازاینرو، مراکز کارایی، پرداخت کرایه خانه را، به شرطی که میزان آن از حداقل تعیین شده توسط دولت برای مناطق جغرافیائی مختلف بالاتر نباشد، به عهده میگیرند. خانم فرایتاک میگوید «مشکل یک سوم کسانی که بدیدارما میآیند در رابطه با مسئله مسکن است. اغلب اوقات، افزایش نجومی کرایه خانه در شهرهای بزرگ و بویژه برلن باعث میشود که مبلغ کرایه از حداقل تعیین شده بالاتر برود. بنابراین، آنها ناچارند که یا اسباب کشی کنند، بدون

اینکه بدانند کجا میتوانند بروند، چون بازارمسکن به شدت تحت فشار است و یا اینکه تفاوت کرایه خانه را ازجیبشان بپردازند وبودجه خورد وخوراک را کاهش دهند.» چهل درصد از ۵۰۰ هزارنفری که درچهارچوب «Hartz IV» قرارگرفته ودر برلن زندگی میکنند، کرایه خانه شان از حداقل تعیین شده فراتر است.

مراکز کاریابی میتوانند همچنین در موارد نادری کمک های اضطراری اندکی اعطاء کنند. پرداخت چنین کمکی، به مرکز کاریابی چنان حق نظارتی برزندگی متقاضی میدهد که بیشترشبه تولید است. حساب بانکی، خرید کردن، مسافرت کردن، زندگی خانوادگی ویا حتی روابط عاشقانه وبطور خلاصه تمامی جنبه های زندگی خصوصی متقاضی تحت کنترل تحقیرآمیزبازرسان قرار می گیرد. ۴۸۰ مرکز کاریابی آلمان دارای آنچنان قدرتی هستند که برخی از آنان به خود اجازه ابتکارات تخیلی میدهند. بعنوان مثال، اواخر سال ۲۰۱۶، مرکز کاریابی ایالتی در باس- ساکس، پرسش نامه ای به یک خانم بیکارمجرد حامله فرستاده وازاوخواسته بود که نام وتاریخ تولد شرکای

جنسی اش را افشاء کند(۲). ریشه های مبانی فلسفی این حاکمیت تفتیش عقاید، در همان اعلامیه

مشترک ژوئن ۱۹۹۹ شرودر وبلر ملموس است. در این اعلامیه، دوپامبر «سوسیال دموکراسی

نوین» بر ضرورت «تبدیل چتر حفاظت دستاوردهای اجتماعی به جهش گاهی به سوی مسئولیت

فردی» تاکید میورزند. در این جزوه با عنوان «اروپا: راه سوم، میانه روی جدید»، تصریح شده

بود که «یک کار نیمه وقت ویا یک کار با دستمزد ناچیز بهتر از نبود هیچگونه کار است، چرا که

چنین فعالیتی راه را برای گذار از بیکاری به سمت اشتغال هموار میسازد. به گفته کریستوف

بوتروگ (Christoph Butterwegge)، محقق علوم اجتماعی در دانشگاه کلن، این واقعیت

صد تا یک شاهی که، یک فقیر شناور در عرق زیر فشار کار بهتر از یک مستمند بیکار است، همچون

تاروپود عقیدتی «بی تردید، عمیق ترین شکاف در دولت رفاه آلمان از زمان بیسمارک تاکنون»

بکار گرفته شد (۳).

در فرانسه، از دوازده سال پیش به این طرف، قوانین هارتز، چشمه خشک نشدنی جذابی برای کارفرمایان، رسانه ها و سیاستمداران است. قصیده پردازی شبه مذهبی برای «الگوی آلمانی»، با رسیدن آقای امانوئل ماکرون به الیزه، که به نظرش «آلمان اصلاحات چشمگیری را به ثمر رسانده است»، توان بیشتری یافته است. این نقطه نظر به ندرت توسط سردبیران نشریات بزرگ سؤال برده شده است. سردبیر لوموند، فردای انتخاب نامزد «ملت نوآور» (امانوئل ماکرون) بعنوان رئیس جمهور، برای تشویق او در بکار بردن مشت آهنین برای بجا نشانیدن اصلاحات مورد نظرش یادآوری کرد که «گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان، برای تحمیل اصلاحاتی که امروزه باعث رفاه کشورش شده اند، در استفاده از روشهای غیردموکراتیک ابائی نداشت» (۵).

اقتصاددان پیر کاوک (Pierre Cahuc) نیز، که به همراه مارک فراسی (Marc Ferracci) و فیلیپ آگیون (Philippe Aghion) الهام بخشان دگرسازی بازار کار مورد نظر ماکرون هستند، «موفقیت استثنائی اقتصاد آلمان» را ستایش میکند. او بر این عقیده است که Hartz IV نه تنها «برای اشتغال بهتر است» بلکه برای شادی و رفاهمندی نیز مرجح است، چرا که «آلمانی ها وبویژه

تهی دست ترین آنان، بیش از پیش از وضعیت خود اظهاررضایت میکنند، در حالیکه اظهار رضایت فرانسویان را کد مانده است» (۶).

اگرچه «مستمندترین ها» هنوز از ابراز خرسندی خویش در صفوف انتظار مراکز کاریابی خویشتن داری میکنند، اما جای تردید نیست که آقای ماکرون مستقیماً از «الگوی آلمان» الهام میگیرد. بویژه وقتی که صحبت از بی محتوی کردن قانون کار و تشدید کنترل بیکاران، که در صورت رد دو پیشنهاد کاری در پی جریمه خواهند شد، در میان است. هیچکسی بهتر از رئیس جمهور

فرانسه، ضمن سخنرانی سوم ژوئیه خویش در برابر کنگره در کاخ ورسای، تفکر ضمنی Hartz IV را خلاصه نکرده است: «حفاظت از ضعیفان به مفهوم تبدیل کردن آنان به کمک جویان دائمی از دولت نیست» بلکه دادن ابزاری به آنها، احتمالاً مجبور کردنشان، برای «دردست گرفتن موثر سرنوشتشان است». و سپس با یک لفاظی بند بازانه، شبیه آنچه که مروجین Hartz IV در گذشته بکار برده بودند، می افزاید که «ما باید یک سیاست واقعی شرکت در سرنوشت خویش

را جانشین تفکر کمک/اجتماعی کنیم». شعار آقای شرودر خطاب به فقرا شفاف تر بود: «تشویق

کردن و ملزم ساختن» («fördern und fordern»).

اضافه براین آقای هارتز اشتباه نکرده بود. در فرانسه، حامیان قانونی که نام او را یدک میکشد،

کماکان از شهرت نا بسزائی بهره مند هستند. در آلمان، کسی محکومیت او به دوسال حبس

تعلیقی و پرداخت ۵۰۰ هزار یورو جریمه در سال ۲۰۰۷ در رابطه با «خرید صلح/اجتماعی» در

شرکت فولکس واگن را فراموش نکرده است. رشوه دادن به نمایندگان کارگران، سازمان دادن

سفرهای تفریحی مجانی به مناطق دوردست برای آنها ویا استفاده از خدمات فاحشه ها از جمله

مواردی بودند که محکومیت آقای هارتز را بدنبال داشتند. بگونه ای که دیگر هیچکس نمی خواهد

درباره او حرفی بشنود. مدیر کارگزینی پیشین فولکس واگن، برای یافتن گوشهای شنوائی که

همیشه حاضرند برایش کف بزنند، به فرانسه نقل مکان کرده است. جنبش شرکتهای فرانسوی

(Medef – اتحادیه کارفرمایان شرکتهای بزرگ فرانسه) مکررا از او دعوت میکند و گفته میشود

که آقای فرانسوا اولاند، بهنگام ریاست جمهوری، قصد داشته تا او را بعنوان یکی از مشاورانش منصوب کند (۷). آقای ماکرون از این پس، کلام پیامبر گونه وی را، به واسطه روزنامه ها، به خود اختصاص داده است (۸).

اما آقای هارتز فقط نقش درجه دومی در برپا نهادن اصلاحات شرو در بازی کرده است. گرچه او رئیس هیئتی بود که مطالعاتش زیربنای اصلاحات را تشکیل میداد اما، در واقع بنیاد برتلسمن (Bertelsmann) بود که هماهنگی عملیات را بعهدہ داشت. بنیاد « خیریه » پرنفوذ ترین گروه رسانه ای آلمان در قلب روند طراحی تقویم ۲۰۱۰ بود : بعهدہ گرفتن هزینه های مالی کارشناسی و کنفرانس ها، توزیع استدالات توجیحی در میان روزنامه نگاران و ایجاد شبکه افراد « با حسن نیت ». هلگا شپیندلر (Helga Spindler) استاد حقوق عمومی در دانشگاه دویسبورگ خاطر نشان میکند که « بدون اقدامات آماده سازی، همراهی کردن و خدمات پس از فروش بنیاد برتلسمن در تمامی سطوح، پیشنهادات هیئت هارتز و قوانین ناشی از آن هرگز چشم دنیا نمی

گشودند» (۹). این بنیاد، حتی پانزده عضو هیئت را به سفر به کشورهای که بنظر او در ارزش بخشی به توده بیکاران پشستازبودند، یعنی دانمارک، سوئیس، هلند، اتریش وانگلستان، دعوت کرد.

تبدیل شغلای مداوم به مشاغل بی ثبات

۱۶ اوت ۲۰۰۲، آقای هارتز، درزیر گنبد کلیسای جامع فرانسه در آلمان، نتیجه گیری هایش را به

آقای شرودر تقدیم میکند. صدراعظم ازشادی در پوستش نمی گنجد و با گفتن اینکه « امروز روز

بزرگی برای بیکاران» است، قول میدهد که در عرض دو سال دو میلیون آلمانی را بر سر کار

خواهد گذاشت. این گزارش ۳۳۴ صفحه ای، که ملقمه ای از لغات آلمانی- انگلیسی «

» engleutsch بی سر و ته زبان مدیریتی است، سیزده « فصل نوآوری» را در برمی گیرد و

اصطلاحاتی همچون «نظارت»، «مدیریت تغییر»، «سیستم پل گونه برای کارکنان مسن» ویا «

توانائی تغییر و تطبیق شغلی و تمایل به داوطلب بودن» و غیره به وفور در آن یافت میشود. مراکز کاریابی در آن همچون «خدمات بهبود یافته برای مشتریان» تشریح میشوند.

نظام ناشی از این مفاهیم نامفهوم، که اول ژانویه ۲۰۰۵ قابلیت اجرایی یافت، خود در «بسته»

دیگری از تقویم ۲۰۱۰، که مقررات زدائی بازار کار را هماهنگ میساخت، پیچیده شد. بدام

انداختن بیکاران در تنگنای دستمزد، محتاج آن بود که ابزارهای شایسته گوناگونی در اختیار

کارفرمایان گذاشته شوند: معافیت مالیاتی برای دستمزدهای پائین، راه انداختن شغلهای کوچک

با دستمزدی معادل ۴۰۰ یورو و بعداً ۴۵۰ یورو در ماه، از میان برداشتن محدودیت برای استخدام

موقت، یارانه دهی به آژانس های پیشنهاد دهنده کار موقت برای استخدام بیکاران دراز مدت

و غیره. کارفرمایان و بویژه کارفرمایان بخش خدمات به تب جستجوی طلا گرفتار شدند. با اطمینان

از اینکه مراکز کاریابی مداوماً برایشان نیروهای تازه نفس خواهند فرستاد، آنها مشاغل دائمی را

به شغل های بی ثبات تبدیل کرده و کارگرانی که استخدام میشدند به نوبه خویش و برای افزایش

دستمزد اندکشان ناچار شدند در جستجوی شغل تکمیلی دیگری در برابر مراکز کاریابی صف

بکشند. بازار کار موقت گسترشی چشم گیر یافته و از ۳۰۰ هزار کارگر موقت در سال ۲۰۰۰ به

حدود یک میلیون نفر در سال ۲۰۱۶ میرسد. همزمان، درصد کارگران، با دستمزدی کمتر از ۹۷۹

یورو در ماه، از ۱۸ به ۲۲ درصد افزایش می یابد. ایجاد دستمزد حداقل در سال ۲۰۱۵، ساعتی

۸،۴۸ یورو در سال ۲۰۱۷، گرایش را معکوس نکرده است: هنوز ۴،۷ میلیون نفر با شغل کوچکی

با ۴۵۰ یورو در ماه برای ادامه زندگی دست و پا میزنند (۱۱). آلمان بیکارانش را به محتاجان

مبدل کرد.

وقتی بچه ها به مراکز کاریابی احضار میشوند

کارکرد Hartz IV همچون یک سرویس کار اجباری بی ثبات است. خطر جریمه شدن، »

مشتري» را دائما در هراس از یک تله نگاه میدارد. آقای یورگن کوهر، یک برلینی ۶۳ ساله، در

زمان عادی بعنوان یک گرافیکست مستقل کار میکند. حجم تقاضا، با توجه به رقابت دفاتر بزرگ که قیمت شکنی میکنند، آنچنان کاهش یافته است که او دیگر نمیتواند مخارجش را تامین کند و بنابراین در مرکز کاریابی ثبت نام کرده است. او، با فنجان از قهوه در مقابلش، حکایت میکند که « یک روز، نامه ای دریافت کردم که ضمن آن خواسته شده بود که باید دوشنبه و سه شنبه در ساعت چهار صبح در مقابل آژانس کاریابی موقت حاضر شده تا برای کار به یک کارگاه ساختمانی فرستاده شوم و گفته شده بود که همان شب حقوقم را دریافت خواهم کرد. و تصریح شده بود که باید یک جفت کفش ایمنی با خودم داشته باشم. بدیهی است که من چنین تجهیزاتی ندارم و هرگز در بخش ساختمان سازی کار نکرده ام. شروع به کار کردن در ساختمان سازی با توجه به سن و سال من، بنظرم فکر خوبی نبود.» مهلت تعیین شده، مطابق معمول، آنچنان کم بود که آقای کوهلر نمیتوانست خواهان تجدید نظر در این تصمیم باشد و بنابراین چاره دیگری نداشت جز اینکه به دادگاه شکایت کند. او امیدوار بود که تصمیم دادگاه پیش از افتادن ساطور جریمه، که ممکن است ۱۰، ۳۰ و یا گاهی ۱۰۰ درصد کمک معیشت را حذف کند، اعلام شود. هیچکسی،

حتی بچه های ۱۵ تا ۱۸ ساله دریافت کنندگان کمک Hartz IV، از این تیغ در امان نیست.

مراکز کارایی، در ازای ۳۱۱ یوروئی که به بودجه خانوادگی آنها اضافه میکنند، در هر لحظه

میتوانند آنها را، حتی گرچه هنوز به تحصیل ادامه میدهند، احضار کرده و «توصیه» کنند که به سوی

این یا آن بخش اقتصادی تحت فشار گرایش یابند. در صورت حاضر نشدن در یکی از قرار ملاقات

ها، کمک هزینه آنها قطع میشود. تاثیر آموزشی چنین کرداری بر روی نوجوانانی که هم اکنون «

Hartz IV» بر پیشانی شان خالکوبی شده است، قابل تردید نیست. آقای کوهرل، عضو گروه

بیکاران سندیکای متحده Ver.di، توانست وکیل مافع مجانی در اختیار داشته، و دادگاه، پیش از

آنکه مستمریش لغو شود، به نفع او رای داد. اما همگی از چنین شانس بر خوردار نیستند. در سال

۲۰۱۶، بیکاران حدود یک میلیون بار جریمه شدند و هر بار بطور متوسط، ۱۰۸ یورو از درآمد آنان

کاسته شد، دست آوردی غیر قابل اغماز برای آژانس فدرال کار که مراکز کارایی را اداره میکند.

در همین سال از مراکز کارایی، ۱۲۱ هزار بار شکایت شد که در ۶۰ درصد موارد، این شکایت ها

مورد قبول قرار نگرفت. آقای کوهرل توضیح میدهد که « شما بدلائل آنچنان بیهوده ای جریمه

میشوید که اگر بخوبی از خود دفاع کنید حتما برنده خواهید شد. اما اکثریت بیکاران از حقوق خویش ناآگاهند و یا نمیتوانند بخوبی از خویش دفاع کنند و بنابراین حتی از خود دفاع نمی کنند».

اما در همیشه به روی این پاشنه نمی چرخید. بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، ده ها

هزار بیکار و کارگر هر دوشنبه بطور خود جوش در بسیاری از شهرهای آلمان برای مقابله با

اصلاحات شرو در دست به راهپیمائی میزدند. این تظاهرات که بویژه در شرق آلمان جا افتاده بود،

با یادآوری شعارهای « تظاهرات دوشنبه ها» بر علیه حکومت وقت در پائیز سال ۱۹۸۹، به سرعت

غرب آلمان را فرا گرفت و سندیکاها را، که رغبتی به همراهی با آن نداشتند، در شرایطی

غیرمنتظره قرارداد. آقای رالف کرامر، دبیر فدرال Ver.di و مسئول مسائل اقتصادی اذعان میکند

که « سندیکا ها بسیار مردد بودند و یا پس میکشیدند. موضع گیری آنان بویژه از آن جهت مبهم

بود که دوتن از نمایندگان آنها در هیئت هارتنر مشارکت داشتند، یکی از آنان عضو DGB

(کنفدراسیون سندیکاهای آلمان) و دیگری عضو سندیکای ما بود.» اضافه بر دو عضو سندیکا، هیئت

هارتز متشکل از دو نماینده مجلس، دو استاد دانشگاه، یک کارمند عالی رتبه وهفت »

مدیربرجسته» بود که در میان آنها کسانی از بانک آلمان، از شرکت بزرگ شیمیائی باسف واز

دفترمشاورتی مکینزی جلب توجه میکردند. آقای کرامر ادامه میدهد : « جنبش سندیکائی در

آلمان بطورسنتی به حزب سوسیال دموکرات آلمان نزدیک است و جای تردید نیست که

اصلاحات پیشنهادی شرودر، اگر یک دولت سوسیال دموکرات بر سر کار نبود، موفق نمی شدند،

چرا که در این صورت مقاومت برعلیه آن احتمالاً شدیدتر میشد.»

در نوامبر ۲۰۰۳، درمیان حیرت زدگی عمومی، تظاهرات سازمان دهی شده بدون سندیکاها در

برلن، صد هزار نفررا گرد هم آورد. آقای کرامر می افزاید : « بسیاری از اعضای سندیکا، از جمله

خود من، در این تظاهرات شرکت داشتند، چرا که در سندیکای ما بسیاری از اعضاء فهمیده بودند

که این اصلاحات فقط برای ترویج بازار کاربا دسمتزد ناچیزاست. اما رهبریت DGB چوب لای

چرخ میگذاشت.» پنج ماه بعد، در برلن، اشتوتگارت و کلن بیش از نیم میلیون نفر از مخالفین

دست به تظاهرات زدند : چیزی که پس از جنگ هرگز دیده نشده بود. این بار، رهبران سندیکا ها در صف اول راه پیمائی بودند. آقای کرامر با حسرت میگوید که « شاید میتوانستیم که پیروز شویم، اما رهبری DGB، از ترس از دست دادن کنترل اوضاع، برای بسیجی دیگر فراخوان نداد. «تظاهرات دوشنبه ها» منزوی شد و جنبش به فراموشی سپرده شد. ما یک فرصت تاریخی را از دست دادیم. باید گفت که رو در رویی، بخشی از فرهنگ سندیکائی آلمان نیست. در بین ما مرسوم نیست که به تصمیمات یک دولت منتخب اعتراض کنیم، گرچه من شخصا از چنین چیزی متاسفم.» جالب است که این شکست، سندیکا ها را به تفکر در باره تغییر سیاست راهبردی سوق نداد. رهبران DGB و Ver.di، که بخشی از آن است و در درون آن سندیکاهاى شیمی و فلزکاری از قدرت بسیاری برخوردارند، بحث در باره غیر قانونی بودن اعتصابات « سیاسی» را ضروری ندیدند. این ناهنجاری در قوانین آلمان، برای سندیکا ها، فراخوان به اعتصاب بر علیه قوانین ضد منافع کارگری را غیر قانونی کرده است. « اعتصاب عمومی»؟ با شنیدن این کلمه، آقای مهرداد پاینده، عضو هیئت رئیسه فدرال DGB و مسئول مسائل اقتصادی، ابروهایش را در

هم میکشد و میگوید: « برای ما، اعتصاب وقتی توجیه پذیر است که مذاکرات برای افزایش دستمزد در بخشهای اقتصادی که ما آنها نمایندگی میکنیم شکست بخورد. چیزی که به ندرت پیش میآید. حقانیت ما را اعضای ما به ما میدهند و نه خیابانها. ما مثل کشورهای جنوب اروپا نیستیم که برای یک آری ویا نه اعتصاب میکنند!»

آقای پاینده، همانطور که آقای کرامر تشریح میکرد، با چرب زبانی و رفتار خوش آیندش نمونه بارزی از فرهنگ سندیکائی DGB است. او توجه اش بیشتر به کارفرمایانیست که میشناسد و «ظرفیت همکاریشان با سندیکا ها» را تحسین میکند تا بیکاران Hartz IV ویا بردگان کار بی ثبات که دیگر در حوزه مسئولیتش نیستند. او ادامه میدهد: « شکی نیست که من مخالف جرمه های Hartz IV و ناامنی کار هستم. اما قوانین مصوبه توسط مجلس آلمان در حیطه اختیار ما نیست. هدف ما دفاع از منافع کارگرانمان به هنگام عقد قرارداد در هر بخش صنعتی است.» با این تفاوت که چنین قراردادهائی بجز در بخش فلز کاری و شیمی دیگر وجود ندارند و در سایه آنها

صنعت قدرتمند خدمات، کارگران بیش از پیش برده واروهر روز کمتر از گذشته تحت حفاظت را می بلعد.

اما مبارزه بر علیه قوانین هارتزرد پای عمیقی در کشور باقی گذاشته است. این مبارزات، حزب سوسیال دموکرات را، که از سال ۲۰۰۳ به بعد ۲۰۰ هزار نفر از اعضای آنها ترک کردند، بنحوقابل توجهی تضعیف کرده و متزلزل بجا نهاده است. صحنه سیاسی نیز دیگرگون شده است. بخشی از معترضان حزب سوسیال دموکرات آقای شرودر با کمونیست های جدید حزب سوسیالیسم دموکراتیک (PDS) به هم پیوسته و حزب Die Linke (چپ)، که امروزه در مجلس آلمان تنها حزب خواهان لغو قوانین هارتزاست، را تاسیس کردند. این مبارزات همچنین باعث ایجاد شبکه وسیعی از گروه های بیکاران شد که مصمم هستند تا از طریق اقداماتی چون کمکهای متقابل و دفاع از حق خویش، صدایشان را بگوش برسانند. از جمله این گروه ها میتوان از Basta نام برد که در

محله مردمی Wedding در برلن جایگاه مستحکمی یافته است و مرتبا بازرسی های مبارزه جویانه ای در مراکز کاریابی پایتخت آلمان سازمان دهی میکند.

«فرانسه برای ما سرمشق بود»

بهنگامی که در فرانسه مسئله امکان عقیم کردن تب و تاب اصلاح طلبانه آقای ماکرون مورد بحث است، بسیاری از اعضای سندیکا ها در آلمان نفس در سینه حبس کرده اند. آقای دیرک هیرشل، یکی از رهبران Ver. di، اعتراف میکند که «ما به شدت نگران اصلاحات ماکرون هستیم، چرا که این اصلاحات میتوانند سطح دستمزد در آلمان را کاهش داده و وضع را بدتر کنند». همکاراو، رالف کرامر، می افزاید که «فرانسه از بسیاری جهات برای ما یک سرمشق بود. تحولات جاری برای ما غم انگیز هستند. ما امیدواریم که سندیکا های فرانسه اشتباه ما را تکرار نکنند و تهاجمی تر از ما باشند».

(Olivier Cyran)

* - روزنامه نگار. مؤلف مشترک (با ژولین بریگو Julien Brygo) کارگه آلود! از واکس بزن

تا عاملیت بورس، تحقیق در باره ارزش منشاء اجتماعی مشاغل، La Découverte،

پاریس ۲۰۱۶

۱- کمک هزینه، وقتی دو مشمول Hartz IV با هم زندگی میکنند، به ۳۶۸ یورو برای هر نفر کاهش می یابد. به این مبلغ، ۲۳۷ یورو برای بچه های بین ۰ تا ۶ سال، ۲۹۱ یورو برای بچه های ۷ تا ۱۴ سال و ۳۱۱ یورو برای نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال اضافه میشود.

۲- «مرکز کاریابی با استفاده از پرسشنامه در باره شریک جنسی تحقیق میکند.» در سایت خبررسانی جمعی «بر علیه Hartz IV» (www.gegen-hartz.de)

۳- کریستوف بوتروک، Hartz IV و نتایج آن. آیا بسوی جمهوری دیگری میرویم؟ Beltz Juventa, Weinheim, ۲۰۱۵.

۴- «ماکرون: من میخواهم اطمینان فرانسویان و سرمایه گذاران را قوت بخشم»، Ouest-France, Rennes, ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۷

۵- آرنو لو پارمانتیه، «صد روز ماکرون تعیین کننده خواهند بود»، Le Monde ۱۰ مه ۲۰۱۷

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۱۷

۶ - سوفی فای، « آیا ماکرون بازی شرودر را به شیوه فرانسوی اجرا خواهد کرد؟»، *L'Obs*، پاریس، ۱۳ مه ۲۰۱۷

در باره پیرکاوک، مراجعه کنید به : هلن ریشارد، « فرضیه تسلیم»، لوموند دیپلماتیک، اکتبر ۲۰۱۶.

۷ - « مدیر کارگزینی پیشین گرهارد شرودر مشاور اولاند نخواهد شد»، لوموند، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۴

۸ - « پیتر هاتز : نامه به امانوئل ماکرون»، *Le Point*، پاریس، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶

۹ - هلگا شپیندلر، « اصلاحات هارتزتوسط برتلسمان طراحی شده بود؟» در: شبکه نفوذ برتلسمان، مجتمع سیاسی- رسانه ای
BdWi, Marbourg، ۲۰۰۷، گوترسلوه،

۱۰ - مراجعه کنید به : توماس شولر، جمهوری آلمان برتلسمان. خیریه ای که سیاست گذاری میکند Campus Francfort.
۲۰۱۰

۱۱ - منبع : آژانس فدرال کار؛ گزارش انستیتوی علوم اقتصادی واجتماعی، 36 (WSI) no 36، ژوئیه ۲۰۱۷

فقیران خوشبخت

«کسی که میتواند کار کند اما نمی خواهد، شایسته همبستگی نیست. کسی حق تنبلی در جامعه ما

را ندارد.»

گرهارد شرودر صدراعظم آلمان در مصاحبه با بیلت، ۶ آوریل ۲۰۰۱

«دستمزد ها چنان افزایش یافته اند که دیگر برای کارگران قابل تحمل نیستند و مانع از آن

میشود که کارفرمایان فعالیت های جدیدی ایجاد کنند (...) ما باید هزینه های دولت را کاهش

دهیم، مسئولیت فردی را تشویق کنیم و هرکس را به کوشش بیشتری ملزم سازیم»

گرهارد شرودر، سخنانی در مجلس آلمان، ۱۴ مارس ۲۰۰۳

«فقر، خالی بودن کیسه پول نیست بلکه مستمندی معنوی است. طبقات پائین جامعه مشکل پولی

ندارند، بلکه فاقد فرهنگ هستند (...). فقر ناشی از رفتار آنهاست، نتیجه فرودست - فرهنگی

میباشد.»

والتر ولونوبر، سردبیرشترن، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴

«فقر به مسئله پول خلاصه نمیشود (...). چیزی که برای یک خانواده مهم است، نحوه خرج کردن

آنست (...). غذائی در یک فاست فود نه تنها برای سلامتی خوب نیست بلکه گرانترازخوراک

سبزیجات فصل تمام میشود.»

رناته شمیت، وزیر فدرال خانواده (از حزب سوسیال دموکرات)، *Bild am Sonntag*, ۲۷ فوریه

«تنها کسی که کار میکند حق غذا خوردن دارد»

سخنرانی فرانتز مونترفرینگ، رهبر حزب سوسیال دموکرات، معاون صدراعظم و وزیر فدرال کار

وامور اجتماعی در برابر نمایندگان حزب در مجلس، ۹ مه ۲۰۰۶

«اگر شما خودتان را بشوئید وریشان را بتراشید کار پیدا خواهید کرد.»

کورت بک، رهبر حزب سوسیال دموکرات خطاب به بیکاران، *Wiesbadener Tagblatt*.

۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

« پژوهشگری/اثبات میکند : ۱۳۲ یورو در ماه برای زندگی کردن کافیهست! »

عنوان روزنامه بیلت، ۶ سپتامبر ۲۰۰۸

«افزایش مستمری Hartz IV به نفع صنایع دখانیات و مشروبات تمام شده است.»

تحلیل فیلیپ میسفلدر، نماینده حزب دموکرات مسیحی مجلس، در یک سخنرانی از افزایش ۴

یورو به کمک هزینه ماهیانه Hartz IV، ۱۵ فوریه ۲۰۰۹

«بحث در باره Hartz IV جهت سوسیالیستی گرفته است ... آنهایی که به مردم قول رونق

اقتصادی بدون کوشش را میدهند راه انحطاطی همچون امپراتوری رم را باز میکنند.»

گیدو وسترول، دبیر کل حزب لیبرال دموکرات آلمان، معاون وزیر امور خارجه فدرال، Die

Welt، ۱۱ فوریه ۲۰۱۰

« بجای پول گرفتن برای کار نکردن، مردم باید کاری به نفع جامعه انجام دهند. (...) در برلن

میتوانیم بیست بیکار Hartz IV را برای هر محله شهر استخدام کنیم تا کنترل کنند که آیا

مالکان سگ ها مدفوع آنها را جمع آوری میکنند یا نه. (... بدین ترتیب، بیکاران مشغولیت تازه

ای پیدا میکنند و اهالی برلن شهری جدید.»

کلودیا هامرلینگ، نماینده سبزها در مجلس برلن، بیلت، ۶ آوریل ۲۰۱۰

« ما ابزار انسانی ارزان قیمتی در دسترس کارفرمایان قرار میدهیم.»

نقل قول از یک کارمند مرکز کار یابی در روزنامه *Die Süddeutsche Zeitung*، ۹ مارس

۲۰۱۵

انسان شناسی و فرهنگ ناشر مجله لوموند دیپلماتیک (نسخه فارسی) در ایران است

لوموند دیپلماتیک سپتامبر ۲۰۱۷